

سیاست ها و منش های ترجمه^۱

محمد یاسین زینلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

مقدمه

در گسترده ترین معنای آن، سیاست را می توان به عنوان «مجموعه کل روابط بین افراد ساکن در جامعه» (مریام وبستر) تعریف کرد. به همین ترتیب، اصطلاح منش به «یک مسیر یا روش عمل مشخص انتخاب شده از میان گزینه ها در پرتو شرایط داده شده برای هدایت و تعیین تصمیم های حال و آینده» اشاره دارد (مریام وبستر). در نتیجه تاریخچه سیاست ها و منش های ترجمه و تأثیرات آن ها، دانش کامل در مورد ترجمه، مترجمان، استراتژی های ترجمه، اهداف و تأثیرات آنها بر جامعه و موارد دیگر را در برمی گیرد. قطعاً، آنچه که از نظر وسعت در چنین پروژه نفس گیری به دست می آید، از نظر درک موقعیتی، خطر ازدست دادن آن را دارد. باین حال، این مقاله می خواهد بر تاریخچه ای محدودتر و درعین حال چالش برانگیزتر و بدی تر از سیاست ها و منش های ترجمه تمرکز کند. در معنای محدودتر، به نظر می رسد که این دو مفهوم بسیار درهم تنیده شده اند، سیاست به «هنر یا علم حکومت» و منش به «انجام امور سیاسی و عمومی توسط یک دولت یا حکومت» (مریام وبستر) اشاره دارد.

۲. مترجم؛ دانشجوی کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان، زاهدان، ایران. (yasinzeynali5@gmail.com)

ترجمه متون حقوقی

ترجمه متون حقوقی مهم و نقش آنها در شکل دادن جوامع در سراسر جهان، بخشی از سیاست و منش‌های ترجمه است. اگرچه اولین امپراتوری فرانسه (۱۸۰۴-۱۸۱۴) به سرعت ناپدید شد، اما قانون ناپلئون (۱۸۰۴)، تدوینی از قانون مدنی فرانسه، باقی مانده است و هنوز هم مانند سایر نقاط جهان به عنوان مبنایی برای سیستم‌های حقوقی فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی عمل می‌کند. (کرانزبرگ ۱۹۵۹). این قانون در نتیجه فتح ناپلئون در بلژیک، هلند، لوکزامبورگ و برخی از بخش‌های آلمان، شمال ایتالیا گسترش یافته بود و پس از شکست ناپلئون مدتی (در بلژیک، مثلاً تاکنون) در آنجا نگهداری شد. از سال ۱۸۳۰ به بعد، عصر واقعی انتشار و گسترش قانون آغاز شد (کرانزبرگ ۱۹۵۹، ۳۹) در یونان (۱۸۲۷)، هلند (۱۸۳۸)، پرتغال (۱۸۶۷)، اسپانیا (۱۸۸۹) و در آمریکا، در کنار کبک (۱۸۶۶). قانون ۱۸۳۱ بولیوی ترجمه ساده‌ای از قانون فرانسه است. قانون ۱۸۶۵ شیلی نیز بر اساس قانون فرانسه، شامل بسیاری از وام‌های تحت‌اللفظی، نباشد است. اکوادور، کلمبیا، اروگوئه، آرژانتین به‌طور آزادانه از قانون شیلی وام گرفته اند، بنابراین قانون ناپلئون به‌طور غیرمستقیم از قانون‌های آنها الهام گرفته است. (کرانزبرگ ۱۹۵۹، ۴۰) اینکه چه راهبردهای ترجمه اتخاذ شد و چه تأثیری در جوامع مربوطه داشت، هنوز یک سؤال باز برای مطالعات ترجمه باقی مانده است.

ترجمه متون حقوقی نیز نقش مهمی در روابط بین‌المللی بین دولت‌ها داشته است. عناصر حقوق بین‌الملل هنری ویتون (۱۸۳۶)، برای ذکر مثال، «یکی از محبوب‌ترین متون حقوق بین‌الملل قرن نوزدهم» بود (لیو ۲۰۰۴: ۱۰۸) و به زبان‌های فرانسوی (۱۸۴۶)، اسپانیایی (۱۸۵۴) و ایتالیایی (۱۸۶۰) ترجمه شد؛ و ترجمه چینی آن (۱۸۶۰) "نقطه عطفی را در معاملات دولت با جهان خارج (... نشان داد که منجر به ایجاد دفتر امور خارجه (... و همچنین نمایندگی‌های خارجی در پکن شد. (لیو ۲۰۰۴: ۱۰۹)

مسائل مربوط به قدرت

در طول تاریخ، سیاست و منش‌های ترجمه ارتباط نزدیکی با مسائل قدرت داشت. باکمال تعجب، همان‌طور که توسط دولرپ (۲۰۰۲) و استالجاک (۲۰۱۰) مشاهده شده است، مطالعات ترجمه تا همین اواخر عمدتاً بر مسائل قدرت در ترجمه ادبی متمرکز بوده است. در دهه گذشته توجه بیشتری به نقش مترجمان و مترجمان شفاهی در موقعیت‌های درگیری کنونی صورت گرفته است (به‌عنوان مثال اینگیلری ۲۰۱۰ را ببینید). با این حال، همچنین در گذشته، آنها نقش‌های مهمی در دیپلماسی و سیاست بین‌المللی ایفا کردند. از دوران باستان، مترجمان و مترجمان شفاهی به‌عنوان میانجی و مذاکره‌کننده در معاملات نظامی و سیاسی خدمت کرده‌اند: در امپراتوری روم، در دیپلماسی قرون وسطی ایتالیا، در قرن شانزدهم فتح مکزیک، در امپراتوری‌های عثمانی و اتریش (به‌عنوان مثال، فدریچی ۲۰۱۴ را ببینید). در قرن هفدهم (به‌ویژه هلند) تایوان استعماری، مترجمان «به‌عنوان ابزار سیاسی برای تحکیم یا گسترش قدرت حاکم عمل کردند» (چانگ ۲۰۱۴: ۱۵۲). برعکس، فقدان مترجم ممکن است به‌طور جدی برنامه‌های توسعه امپراتوری را مختل کند. در اوایل قرن هفدهم امپراتوری بریتانیا، توماس رو، سفیر بریتانیا، از کمبود مترجم در تلاش‌هایش برای به‌دست آوردن حمایت و مشروعیت از دربار مغول برای شرکت‌های انگلیسی برای تجارت و ساخت کارخانه‌ها شکایت کرد (پاول ۲۰۰۲: ۲۱۷). به گفته دولرپ (۲۰۰۲) مترجمان معمولاً در استخدام حزب قدرتمندتر بوده‌اند و اغلب به‌شدت توسط قدرت مسلط کنترل شده‌اند، به‌ویژه از آنجایی که آنها اغلب کودک، زن یا برده بودند. نیازی به گفتن نیست که مترجمان

و مترجمان شفاهی اغلب جان خود را به خطر می‌انداختند؛ بنابراین به‌عنوان مثال در زمان سلسله چینگ چین (۱۶۸۸-۱۹۱۱)، «ترجمه نام پرتغال و اسپانیا تقریباً به قیمت جان یکی از مقامات سلسله چینگ تمام شد» (یانگ شن ۲۰۰۹)

ترجمه و امپراتوری

سیاست‌ها و منش‌های ترجمه نیز ابزار قدرتمندی برای مدیریت امور داخلی در امپراتوری‌های چندقومی و چندزبانه گذشته، مانند خلافت عباسی (۷۵۰-۱۲۵۸)، امپراتوری اینکاها (۱۴۳۸-۱۵۳۳) و سلسله مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴) بودند. امپراتوری‌های اتریش-مجارستان (۱۸۴۸-۱۹۱۸)، روسیه (۱۷۲۱-۱۹۱۷)، عثمانی (۱۲۹۹-۱۹۲۲)، بریتانیا (۱۹۹۷-۱۶۰۳) و فرانسه (۱۸۰۴-۱۸۱۴) و غیره، امپراتوری‌های حوزه‌های نیروی فرازبانی هستند که کاملاً به ارتباطات وابسته هستند (پرات ۲۰۱۵: ۳۵۱) و بنابراین از ترجمه و ترجمه شفاهی به‌عنوان روشی برای ارتباط بین اشغالگران (رافائل ۲۰۱۵: ۸۵) و همچنین به‌عنوان ابزاری برای سلطه و استثمار استفاده می‌کنند. امپراتوری‌ها باید چشم‌اندازها و شایستگی‌های زبانی را به‌منظور سازماندهی «عملکردهای تنظیم‌شده، سلسله‌مراتب فرماندهی و فرآیندهای قضایی» بازتوزیع کنند. (پرات ۲۰۱۵: ۳۵۲-۳۵۳) آنها همچنین نیاز به ایجاد رعایای امپراتوری دارند تا مطمئن شوند که تازه اشغال‌شده‌ها به اقتدار جدید و خارجی پایبند هستند؛ اما قوانین به چه زبانی ابلاغ شدند؟ افراد محکوم شدند؟ قراردادهای تنظیم شدند؟ آیا همه چیز به زبان‌های بومی ترجمه شده است؟ آیا قدرت امپراتوری ترجیح داد که تک‌زبانه بودن و ترجمه نبودن را انتخاب کند؟ یا ترکیبی از هر دو وجود داشت؟ درحقیقت اداره کردن زبان‌های بومی توانمندسازی آنها و سخنرانان‌شان است. انجام این کار در زبان امپراتوری در حال ورود به معنای عدم درک است. (پرات ۲۰۱۵: ۳۵۳) بار دیگر گزارش‌های سیستماتیک در مقیاس بزرگ در مورد سیاست‌ها و منش‌های ترجمه امپراتوری‌ها وجود ندارد و تحقیقات در زمینه‌های مختلف پراکنده است. اجازه دهید داده‌های اولیه‌ای را ارائه کنیم که همگی به نقش حیاتی ترجمه در انجام امور سیاسی و عمومی اشاره می‌کنند.

در ترجمه خلافت عباسی به عربی «عربی را به‌عنوان تنها زبان سیاست تقویت کرد. (...) از تلاش‌های خلیفه در ساخت و نگهداری امپراتوری این بود که زبان عربی را به‌عنوان رابط مشترک بین رعایا و حاکمان، پیش‌نیازی برای خدمات امپراتوری و آداب معاشرت که به معنای قدرت و یکسان‌سازی اجتماعی-فرهنگی در یکی از برجسته‌ترین امپراتوری‌های باسواد در تاریخ جهان است، تثبیت کرد» (پوچه سوی ۲۰۱۵) اینکاها از کچوا به‌عنوان زبان امپراتوری استفاده می‌کردند اما به برخی از مردم تصرف‌شده مانند آیماراها اجازه دادند که زبان خود را حفظ کنند. چراکه کچوا فاقد فرم مکتوب بود، ترجمه باید ابزار مهمی برای اطمینان از ارتباط بین حاکمان و مردم بوده باشد، اما تاکنون سیاست و منش‌های ترجمه اینکاها نقطه کوری در مطالعات ترجمه بوده است.

امپراتوری اسپانیا سیاست اینکاها را در دست گرفت: اما زبان کاستیلی را به‌عنوان زبان امپراتوری تحمیل نکرد و به‌شدت چندزبانه باقی ماند. بین سال‌های ۱۵۸۰ و ۱۶۴۰، امپراتوری اسپانیا در چهار قاره گسترش یافت و بر جوامع زبانی «با خط‌های مختلف، از زبان‌های گفتاری در آفریقا تا حروف مایا در آمریکا و حروف ژاپنی در آسیا» حکومت می‌کرد (گروزیسکی، ۲۰۰۹، به نقل از بیهلز و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۱۳). ترجمه و ترجمه شفاهی برای برقراری ارتباط بین جوامع مختلف و مدیریت آن ضروری بود. *Secretaría de Interpretación de Lenguas*، ایجادشده توسط چارلز پنجم در سال ۱۵۲۷ به حداقل ۱۴ زبان اروپای غربی (لاتین، یونانی، کاستیلی، کاتالان، والنسیا، پرتغالی، توسکانی، فرانسوی، آلمانی، هلندی، انگلیسی، سوئدی، دانمارکی؛ و نروژی) (رجوع کنید به بیهلز و همکاران ۲۰۱۴) ترجمه شد و

فقط در اواخر دوره استعمار، زبان کاستیلی به زبان هژمونیک دولت-ملت های نوظهور آمریکای لاتین تبدیل شد. معنای این ترجمه برای مترجمان هنوز یک سوال باز است.

اگرچه فرمان ویلرز کوترتس (۱۵۳۹) استفاده از زبان فرانسه را برای همه اعمال عدالت اجرا کرد، در طلوع انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) تنها ۵۰٪ از مردم می توانستند تا حدودی فرانسوی صحبت کنند و در سال ۱۸۶۳ هنوز ۲۵٪ از مردم نمی توانستند فرانسه صحبت کنند. اصلاً فرانسوی را بفهمند (دولون ۲۰۱۲، ۱۰۸۷) فرانسه، همراه با سرزمین های ضمیمه شده اش تا اواخر قرن نوزدهم فضایی بسیار چندزبانه باقی ماند. این توضیح می دهد که چرا ترجمه نقش مهمی در ارتباط بین مقامات و شهروندان داشت. مثلاً در قرن هفدهم آلزاس، مقامات سلطنتی دستورالعمل ها و لوایح را به زبان های فرانسوی و آلمانی ارسال می کردند و اعلامیه های شفاهی را به گویش آلزاسی می دادند. در نهایت فرانسه هرگز به زبان اداری یا روزمره در آلزاس تبدیل نشد. هنگامی که کورس در سال ۱۷۶۸ ضمیمه شد، سیاست مشابهی حاکم شد.

ترجمه و حقوق مدنی

از زمان انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)، پیوند بین زبان، ترجمه و دولت به تدریج اهمیت بیشتری یافت. اعلامیه حقوق بشر و شهروندان در سال ۱۷۸۹ با الهام از ایده های روشنگری در مورد آزادی، حاکمیت مردمی و حکومت قانون اساسی، اساس آزادی و دموکراسی را ایجاد کرد و سندی اساسی برای ایجاد حقوق بشر و شهروندی اعلام کرد که دولت باید اراده عمومی شهروندان را نمایندگی کند که همه شهروندان در برابر قانون برابر هستند و باید از حق مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در قانونگذاری برخوردار باشند. از شهروندان انتظار می رفت که با زبان (زبان های مشترک) صحبت کنند، بفهمند و با آنها همذات پنداری کنند که باید حق دموکراتیک خود را برای کنترل مقامات و برقراری ارتباط با آنها، درک و اطاعت از قوانین وضع شده به نام آنها تضمین می کرد. رای دادن، دریافت و درک اسناد رسمی، ایجاد احساس تعلق ملی و هویت ملی و غیره. در نتیجه، مقامات باید به منظور انطباق با ایده های جدید شهروندی و حاکمیت مردمی، استفاده از زبان در حوزه عمومی را تنظیم کنند. در هر آنچه که مقامات سیاست زبانی سعی در اجرای آن دارند، از تک زبانگی نهادی گرفته تا چندزبانگی، سیاست های ترجمه بخش مهمی را تشکیل می دهند (به میلرتس ۲۰۱۱ مراجعه کنید). باین حال، نقش سیاست های ترجمه در ایجاد و تأمین حقوق مدنی بار دیگر به طور گسترده در مطالعات ترجمه مورد تحقیق قرار نگرفته است. در ادامه به اختصار به دانش روز در مورد موارد اتریش، فرانسه، بلژیک، آمریکا و کانادا اشاره خواهیم کرد.

امپراتوری اتریش-مجارستان که مدت ها قبل از قرن نوزدهم شکل گرفت، در همگنی ملی دولت-ملت های اروپای شمال غربی مشارکت نداشت. باین حال، سیاست های ترجمه نقش خود را در تضمین ارتباط بین آلمانی، مجارستانی، چک، لهستانی، اوکراینی، رومانیایی، کرووات، صربی، اسلواکی، اسلونیایی، ایتالیایی، عبری و ییدیش زبانان ساکن در سلطنت ایفا کردند (وولف ۲۰۱۵) قانون اساسی ۱۸۶۷ همه اقوام و زبان ها را برابر اعلام کرد و از سال ۱۸۶۱ به بعد نمایندگان به تدریج از زبان های دیگری غیر از آلمانی برای سخنرانی خود در پارلمان استفاده کردند. تا سال ۱۸۷۴ این سخنرانی ها به آلمانی ترجمه می شد (وولف ۲۰۱۵، ۶۲) علیرغم ماهیت عمیقاً چندزبانه سلطنت، مدیریت دولتی عمدتاً بر کارمندان دولت چندزبانه استوار بود که رسماً به عنوان مترجم یا مترجم شفاهی منصوب نمی شدند و حتی گاهی اوقات برای این شغل دستمزد دریافت نمی کردند. «بنابراین، نهادینه سازی ترجمه و ترجمه شفاهی احتمالاً هرگز به اندازه دستگاه اداری غول پیکر سلطنتی پرفرنگ نبوده است» (وولف ۲۰۱۵، ۶۷) جای تعجب نیست که شکاف بین تقاضاهای عظیم

برای ترجمه و ترجمه شفاهی در برخوردهای روزانه بین شهروندان و مقامات از یک‌سو و شیوه‌های ترجمه ضعیف سازماندهی‌شده و نهادینه‌شده، موضوع شکایات و درگیری‌های متعددی بوده است (وولف ۲۰۱۵، ۶۷-۷۲) ترجمه و ترجمه شفاهی «مسائل انفجاری» را انجام داد. (وولف ۲۰۱۵، ۷۲) جالب‌توجه است و تعجب‌آور نیست که دادگاه‌ها "شاخص حساس تساهل زبانی و تعهد یک دولت به اجرای سیاست‌های زبانی خود هستند" (وولف ۲۰۱۵) ترجمه و ترجمه شفاهی در دادگاه به‌خوبی توسط قانون تنظیم می‌شد. از اوایل قرن ۱۹. علاوه بر این، قبلاً در سال ۱۷۸۷ فرمانی دستور داد که متون قانونی صادرشده در وین باید به زبان‌های مختلف منطقه ترجمه شود (وولف ۲۰۱۵، ۸۲) اگرچه روش‌ها در طول سال‌ها تغییر کرد، اصل یک دفتر ترجمه متمرکز در وین که قانون را به زبان‌های مختلف مردم به مردم می‌رساند و در نتیجه تأمین حقوق و وظایف شهروندان تا زمان فروپاشی امپراتوری در سال ۱۹۱۸ حفظ شد.

همان‌طور که قبلاً گفته شد، انقلابیون فرانسوی سرزمینی عمیقاً چندزبانه را به ارث بردند. اولین پاسخ (و منطقی) آنها چندزبانگی رسمی بود: بین سال‌های ۱۷۹۰ تا ۱۷۹۳ همه احکام باید به همه زبان‌های منطقه‌ای فرانسه ترجمه می‌شد تا شهروندان به زبان مادری خود به قانون دسترسی داشته باشند؛ اما این چندزبانگی رسمی و با الهام از دموکراتیک به‌زودی به پایان رسید: در سال ۱۷۹۴ فرمانی تک‌زبانه بودن رسمی فرانسه را اعلام کرد. ایده این بود که یک‌زبان ملی مشترک بهترین تضمین برای شهروندان برای کنترل مقامات، آزاد بودن و القای میهن‌پرستی است. با این حال، به دلیل شکاف بین مقررات و رویه‌های رسمی در محل، ترجمه به زبان‌های منطقه‌ای و به زبان‌های سرزمین‌های اشغالی تا حد زیادی ادامه یافت. همان‌طور که به‌عنوان مثال توسط (دی هالست ۲۰۱۴) برای بخش‌های شمالی (منطقه واقعی فلاندر) نشان داده شده است، ترجمه، ترجمه شفاهی و دیگر انواع شیوه‌های انتقال به زبان فلاندری، چه به‌صورت مرکزی و چه به‌صورت محلی سازماندهی‌شده تا سال ۱۸۱۴ در همه انواع ارتباطات عمومی وجود داشت. به‌طور مشابه، در آژاس بین سال‌های ۱۸۵۲ و ۱۸۷۰، ترجمه به آلمانی باید دسترسی شهروندان به قانون را تضمین می‌کرد (لوی ۲۰۰۴ [۱۹۲۹] را ببینید). با این حال، بازهم، این که دقیقاً چه چیزی توسط چه کسی، چه زمانی، چگونه و با چه تأثیری ترجمه شده است، یک سؤال باز باقی می‌ماند. در اینجا یک وظیفه مهم برای مطالعات ترجمه نهفته است.

بلافاصله پس از ایجاد بلژیک در سال ۱۸۳۰، مقامات بلژیکی، با پیروی از مدل فرانسوی، به اهمیت زبان مشترک پی بردند و یک سیاست فقط فرانسوی را اجرا کردند. از آنجایی که اکثر مردم فلاندری (گوش) صحبت می‌کردند، این سیاست غیرترجمه رسمی و سازمان‌یافته از همان ابتدا همراه با تعداد بی‌شماری از شیوه‌های ترجمه مرکزی و محلی، رسمی و غیررسمی بود. ترجمه‌های غیررسمی قوانین، احکام، مقررات، بخشنامه‌ها و غیره توسط افراد خصوصی در مجلات یا نشریات برای خدمت به شوراهای شهر فلاندری، قضات، و کلا و غیره منتشر شد. اظهارنظر، نقل قول، مناظرات پارلمانی. در سطح محلی، برخی از سرپرستان شهرها و روستاها هرگز به زبان فرانسوی تغییر نکردند و پیوسته زبان فلاندری را به‌عنوان تنها زبان حکومتی خود نگه داشتند. سایر کانکس‌ها به‌طور مداوم به زبان فرانسوی کار می‌کردند، درحالی‌که برخی دیگر فقط زبان فلاندری را در حدود سال ۱۹۰۰ اضافه کردند. ارتباط با ساکنان فلاندری آنها از طریق مجموعه‌ای مبهم از ترجمه‌های غیررسمی امکان‌پذیر شد، از بخشنامه‌ها، پوسترها، لوایح تا خلاصه‌های شفاهی در طول خطبه یکشنبه در کلیسا برای بی سوادان.

کانادا که در مستعمره بریتانیا بود (۱۷۹۱-۱۸۴۱)، در قانون اساسی (۱۷۹۱)، فرانسوی‌زبان رسمی بود، اما هر دو فرانسه و انگلیسی در پارلمان استفاده می‌شد. قانون مدنی ابتدا به زبان فرانسوی تهیه می‌شد و سپس به انگلیسی ترجمه می‌شد،

قانون کیفری ابتدا به انگلیسی تهیه می‌شد و سپس به فرانسوی ترجمه می‌شد. در واقع، بین سال‌های ۱۷۹۲ تا ۱۸۶۷، همه قوانین منحصرأ به زبان انگلیسی تهیه و سپس به فرانسوی ترجمه شدند. این سیستم تا حد زیادی پس از استقلال کانادا در سال ۱۸۶۷ ادامه یافت (همچنین به دولیون ۲۰۱۲ مراجعه کنید).

مستعمرات انقلابی آنچه به ایالات متحده تبدیل خواهد شد بین سالهای ۱۷۵۰ و ۱۸۵۰ "به‌طور قابل توجهی چندزبانه" بودند. ۲۵٪ از مهاجران اروپایی انگلیسی صحبت نمی‌کردند، بومیان به زبان‌های آمریکایی صحبت می‌کردند و بیش از ۲۰٪ برده بودند و به زبان‌های آفریقایی صحبت می‌کردند (شل ۱۹۹۳: ۱۰۴-۱۰۵). از سال ۱۷۵۰ بحث‌هایی در مورد سودمندی و انتخاب زبان رسمی برگزار شد. با این حال، نه قانون اساسی ۱۷۷۹ و نه سایر اسناد رسمی از یک‌زبان رسمی نام نمی‌برد و اعضای کنگره قاره توافق کردند که هر زبانی می‌تواند برای ارتباط بین مقامات و شهروندان استفاده شود (استیونز ۱۹۹۹: ۳۸۷). قبل از تصویب، قانون اساسی به هلندی و آلمانی (۱۷۸۸) برای جمعیت آلمانی و هلندی‌زبان پنسیلوانیا و نیویورک ترجمه شد (همچنین به مولیگان ۲۰۱۶ مراجعه کنید). همچنین، برخی از معاهدات با هندی‌ها و اسپانیایی‌ها «به نظر می‌رسد به معنای تضمین نوعی برابری زبان رسمی با انگلیسی بوده است» (شل ۱۹۹۳: ۱۰۴) و یک «کمیته اولیه کنگره توصیه کرد که (...) قوانین ترجمه و چاپ شوند. به زبان آلمانی» (شل ۱۹۹۳: ۱۱۰). رأی‌گیری در مورد اینکه آیا زبان در مجمع، دادگاه‌ها و سوابق باید آلمانی باشد یا خیر، با نتیجه مساوی به پایان رسید (شل ۱۹۹۳: ۱۱۰). در نهایت زبان انگلیسی غالب خواهد شد، بدون اینکه در همه ایالت‌ها وضعیت زبان رسمی به آن اختصاص داده شود. با این حال، یک‌بار دیگر، ما فاقد هرگونه درک از نقش (بدون شک مرکزی) ترجمه رسمی و غیررسمی در تاریخ ملت‌سازی ایالات متحده هستیم.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که مشخص شد، تاریخ سیاست و منش ترجمه هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد. در اینجا یک وظیفه مهم برای مطالعات ترجمه نهفته است. بگذارید این مقاله کوتاه درخواستی برای تحقیقات جمعی و میان‌رشته‌ای باشد که دامنه مطالعاتی جذاب با تأثیر اجتماعی بالا را برای مطالعات ترجمه و سایر رشته‌های درگیر باز خواهد کرد. دانش در مورد سیاست‌ها و منش‌های ترجمه گذشته، فرآیندهای پیچیده‌ای را که به شکل‌گیری دموکراسی و شهروندی در تاریخ کمک کرده‌اند، روشن می‌کند، اما همچنین این پتانسیل را دارد که تصمیم‌گیرندگان و مقامات امروزی را مطلع کند. تحقیق در مورد سیاست‌ها و منش‌های ترجمه نیز به ما می‌آموزد که پدیده‌های ترجمه را در حوزه غیررسمی در حوزه مطالعات ترجمه قرار دهیم. اگر می‌خواهیم بدانیم آیا مقامات و شهروندان واقعاً توانسته‌اند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، باید فرآیندهای ترجمه رسمی و غیررسمی در سطوح مختلف حاکمیتی و فرآیندهای تعامل پیچیده آنها را مطالعه کنیم.

منابع

- Behiels, Lieve, Werner Thomas, and Christian Pistor. 2014. "Translation as an Instrument of Empire: The Southern Netherlands as a Translation Center of the Spanish Monarchy, 1500–1700." *Historical Methods: A Journal of Quantitative and Interdisciplinary History* 47 (3): 113–127. doi: 10.1080/01615440.2014.912552
- Chang, Pin-Ling. 2014. "Interpreters/Translators in Colonial Taiwan." In *Translators, Interpreters, and Cultural Negotiators*, ed. by M. Federico and Dario Tessicini Federici, 136–154. London: Palgrave Macmillan.

- Dollerup, Cay. 2002. "Translation and Power at the European Union." *Current Writing: Text and Reception in Southern Africa* 14 (2): 192–202. doi: 10.1080/1013929X.2002.9678132
- Dullion, Valérie, avec la collaboration de Armand Héroguel traduction du Code pénal néerlandais), Denise Merkle (bilinguisme au Canada), Reine Meylaerts (politiques linguistiques). 2012. "Textes Juridiques." In *Histoire des traductions en langue française, XIXe siècle: 1815–1914*, ed. by Yves Chevrel, Lieven D'hulst, and Christine Lombez, 1067–1105. Paris: Verdier.
- Federici, Federico M., and Dario Tessicini. 2014. *Translators, Interpreters, and Cultural Negotiators: Mediating and Communicating Power from the Middle Ages to the Modern Era*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Inghilleri, Moira, and Sue-Ann Harding. 2010. *Translation and Violent Conflict*. Special Issue of *The Translator* 16 (2).
- Kranzberg, Melvin 1959. "The Napoleonic Code." In *Law in a Troubled World: A Lecture Series* Presented by Cleveland College and the Franklin Thomas Backus School of Law, ed. by Mordekhai Gift'er, Francis Bliss, Melvin Kranzberg, Oliver Schroeder, and Robert N. Wilkin, 26–41. Cleveland, Ohio: Press of Western Reserve University.
- Lévy, Paul. 2004 [1929]. *Histoire linguistique d'Alsace et de Lorraine (t. II)*. Houilles: Manucius.
- Liu, Lydia He. 2004. *The Clash of Empires: The Invention of China in Modern World Making*. Cambridge (Mass.): Harvard university press.
- Merriam-Webster. "Merriam-Webster's Collegiate Dictionary and Thesaurus." In *Merriam-Webster Dictionary*. Merriam-Webster.
- Meylaerts, Reine. 2011. "Translational Justice in a Multilingual World. An Overview of Translational Regimes." *Meta* 56 (4): 743–757. doi: 10.7202/1011250ar
- Mulligan, Christina, Michael Douma, Hans Lind, and Brian Quinn. 2016. "Founding-era Translations of the U.S. Constitution." *Constitutional Commentary* 31 (1): 1–26.
- Powell, Richard. 2002. "Language Planning and the British Empire: Comparing Pakistan, Malaysia, and Kenya." *Current Issues in Language Planning* 3 (3): 205–279. doi: 10.1080/14664200208668041
- Pratt, Mary Louise. 2015. "Language and the Afterlives of Empire." *PMLA: Publications of the Modern Language Association of America* 130 (2): 348–357. doi: 10.1632/pmla.2015.130.2.348
- Shell, Marc. 1993. "Babel in America: Or, The Politics of Language Diversity in the United States." *Critical Inquiry* 20 (1): 103–27. doi: 10.1086/448702
- Stahuljak, Zrinka. 2010. "Minor Empires: Translation, Conflict, and Postcolonial Critique." *The Translator* 16 (2): 255–274. doi: 10.1080/13556509.2010.10799471

Stevens, Gillian. 1999. "A Century of U.S. Censuses and the Language Characteristics of Immigrants."

Demography 36 (3): 387–397. doi: 10.2307/2648061

Yangsheng, Guo. 2009. "Theorizing the Politics of Translation in a Global Era: A Chinese Perspective." *The Translator* 15 (2): 239–259. doi: 10.1080/13556509.2009.10799280

Yücesoy, Hayrettin. 2015. "Language of Empire: Politics of Arabic and Persian in the Abbasid

World." *PMLA: Publications of the Modern Language Association of America* 130 (2): 384–392.

doi: 10.1632/pmla.2015.130.2.384

Further reading

D'hulst, Lieven, and Michael Schreiber. 2014. "Vers une historiographie des politiques des traduc-

tions en Belgique durant la période française." *Target* 26 (1): 3–31. doi: 10.1075/target.26.1.01hul

González Núñez, Gabriel. 2016. *Translating in Linguistically Diverse Societies. Translation Policy*

in the United Kingdom. Amsterdam: John Benjamins. doi: 10.1075/btl.125

Rafael, Vicente L. 2015. "Betraying Empire: Translation and the Ideology of Conquest." *Translation*

Studies 8 (1): 82–93. doi: 10.1080/14781700.2014.928649

Wolf, Michaela. 2015. *The Habsburg Monarchy's Many-languaged Soul: Translating and Interpreting,*

1848–1918. Trans. by Kate Sturge. Amsterdam: John Benjamins. doi: 10.1075/btl.116